



ایران ورجاوند

مجله ایران‌شناسی | سال ۱۱ | شماره ۱ | پاییز و زمستان ۱۳۹۷ | ۳۰۰۰۰ تومان

- ◆ نور و آتش در شهر سوخته
- ◆ آثار هنر کاربردی کوشانیان در باختر
- ◆ برخی از نمودهای ترجمه آثار مانی به زبان‌های ایرانی
- ◆ مطالعه ویژگی‌های معماری و تزئینی مسجد جامع مهاباد
- ◆ نقش‌های صخره‌ای نویافته دوه‌داشی در کرانه سفیدرود (قلز اوژن) شهرستان طارم
- ◆ بررسی‌های باستان‌شناسی پیرامون غارتگری‌های انجام شده در جام غور افغانستان
- ◆ کرتیر، از فراز تا فرود (خوانشی از چگونگی صدرنشینی تشکیلات روحانی در جامعه ساسانی)
- ◆ تاج‌های پادشاهان اشکانی، شواهد مربوط به سکه‌شناسی و برخی جنبه‌های ایدئولوژی سیاسی اشکانیان
- ◆ نگاهی به معبد داش‌کسن ویر (شیرین و فرهاد) و نقش برجسته چهره انسانی نویافته از روستای ویر سلطانیه

ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



مجله ایران شناسی

سال ۱ | شماره ۱ | پاییز و زمستان ۱۳۹۷ |
شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |
صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: شاهین آریامنش |
مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گنجبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گنجبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتر باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری طاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گنجبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گنجبری هم اکنون در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تهران، صندوق پستی: ۵۶۹-۱۴۵۱۵

www.iranvarjavand.ir

Iranvarjavand@hotmail.com

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است.

تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

| با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



”سیاهه“

سرمقاله

ایران ورجاوند شاهین آریامنش

۳

مقاله

- ۵ نور و آتش در شهر سوخته | سیدمنصور سیدسجادی و ستاره شاهین
- ۱۹ نقش‌های صخره‌ای نویافته دوهادشی در کرانه سفیدرود (قزل‌اوزن) شهرستان طارم اعلی نوراللهی
- ۳۶ تاج‌های پادشاهان اشکانی، شواهد مربوط به سکه‌شناسی و برخی جنبه‌های ایدئولوژی سیاسی اشکانیان | مارک البریخت، ترجمه محسن سعادت
- ۶۱ کرتیر از فراز تافرود (خوانشی از چگونگی صدرنشینی تشکیلات روحانی در جامعه ساسانی) | سرور خراشادی و سیدمهدی موسوی
- ۷۹ برخی از نمودهای ترجمه آثار مانی به زبان‌های ایرانی | انریکو مورانو، ترجمه بهنام عطانی
- ۸۵ آثار هنر کاربردی کوشانیان در باختر | جنگر یاسف، ترجمه بهزاد صدقاتی
- ۹۴ مطالعه ویژگی‌های معماری و تزئینی مسجد جامع مهاباد | حامید نوری و فرید احمدزاده
- ۱۰۸ نگاهی به معبد داش‌کسن ویر (شیرین و فرهاد) و نقش برجسته چهره انسانی نویافته از روستای ویر سلطانیه اعلی نوراللهی
- بررسی‌های باستان‌شناسی پیرامون غارتگری‌های انجام شده در جام غور افغانستان | دیوید توماس و آلیسون گسکوین، ترجمه بهزاد صدقاتی
- ۱۳۲

یادداشت

- ۱۴۴ یادداشتی به مناسبت ۴ مارچ سالروز کشف بایگانی باروی تخت جمشید | لیلا مکوندی

پیشخوان

- ۱۵۶ بازخوانی کتاب تپه حصار | سعید باقی‌زاده
- ۱۶۰ هیتیت‌ها در آسیای کهن | شاهین آریامنش
- ۱۶۳ فرهنگ هخامنشی و سنت‌های محلی در آناطولی، قفقاز جنوبی و ایران | آرشاک ایروانیان

درگذشتگان ایران‌شناسی

- ۱۶۵ احسان یارشاطر، الویه لوکنت، محسن ابوالقاسمی، یدالله ثمره، بهروز هم‌رنگ | آرشاک ایروانیان

گزارش

- ۱۶۷ شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران
- ۱۷۷ میراث فرهنگی ایران را در ایران فرهنگی دریابید

بخش انگلیسی

On the eighty-sixth anniversary of the find of the Persepolis Fortification Tablet | Wouter F.M.

Henkelman



ایران ورجاوند

دشمنان بر آن بوده تا این پیوندهای ژرف را بگسلند و ریشه‌های عمیق را با تیشه برکنند، ایران فرهنگی که دل و دین به آن سپرده‌ایم از چشم دست‌اندرکاران مجله ایران ورجاوند دور نمانده و چاپ مقاله‌های پژوهشی و ترجمه‌ای ارزنده درباره جهان ایرانی یا ایران فرهنگی از اولویت‌های مجله ایران ورجاوند است؛ باشد که از این راه پیوندهایمان پیوسته‌تر و ریشه‌هایمان ژرف‌تر شود. همچنین معرفی و نقد کتاب‌های حوزه ایران‌شناسی و چیزهایی از این دست نیز در مجله ایران ورجاوند برگ‌هایی را به خود اختصاص می‌دهد.

در پایان از همه گرامیان به‌ویژه نویسندگان و مترجمان ارجمند سپاسگزارم که در انتشار نخستین شماره مجله ایران ورجاوند ما را همراهی کردند. دامن سخن را برمی‌چینم با این امید که نهال باریکی که امروز در سپهر ایران‌شناسی کاشته می‌شود به سرو تناوری در آسمان ایران‌شناسی بدل شود.

یزدان پاک را از بن جان و دندان سپاسگزاریم که ما را بخت و بهره‌ای داد تا نخستین شماره از مجله ایران‌شناسی ایران ورجاوند را منتشر کنیم. مجله‌ای که می‌کوشد تا دستاوردهای پژوهشی پژوهشگران و مترجمان خطه باستان‌شناسی، تاریخ، فرهنگ، زبان‌های باستانی و دانش‌های پیوسته را منتشر کند.

تلاش دست‌اندرکاران مجله ایران ورجاوند بر آن است تا افزون بر چاپ مقاله‌های سخته و پخته پژوهشی در زمینه‌های گوناگون ایران‌شناسی، مقاله‌های ترجمه‌ای ارزنده و مهم پژوهشگران ایرانی یا ایرانی را نیز منتشر کند، مقاله‌هایی که برای شناخت تاریخ و فرهنگ گرانسنگ و ورجاوند ایران بسیار ارزشمند هستند.

با توجه به پیوندها و ریشه‌های ژرف و عمیق فرهنگی میان ایران و جهان بشکوه ایرانی که از سده‌ها بلکه هزاره‌های دور و دراز برجا بوده است و در دهه‌های اخیر تلاش



آثار هنر کاربردی کوشانیان در باختر*

جنگر الیاسف
ترجمه بهزاد صداقتی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

کوچک مجسمه‌های گلین رنگ‌شده (تراکوتا) و پلاک‌هایی که به شکل انبوه ساخته‌شده که به‌وسیله تکرار روی قالب‌هایی خاص در بسیاری موارد تکثیرشده است یافت شده است، تراکوتا از یک گونه می‌توانند در دیگر استقرارهای باستانی در منطقه سرخان دریا که خود سابقاً بخشی از ناحیه شمال غربی باختر-تخارستان باستان- بوده است نیز به دست آیند.

برای مثال می‌توان به یک گونه پلاک یافت شده در سال ۲۰۰۷ توسط هیئت مشترک کاوش از یک-ژاپن در بخشی از مطالعات باستان‌شناسی تخارستان اشاره نمود. سرپرست گروه ژاپنی این کاوش پروفیسور میتسورو هاگا (از دانشگاه توهوکو، شهرسندای ژاپن) و سرپرست هیئت از یک نگارنده این مقاله بود.

تراکوتاهایی در شمال شرقی‌ترین بخش محوطه که ارگ خوانده می‌شود در یک اتاق مستحکم به همراه قطعات سفالی بزرگ از یک ظرف بزرگ سفالی-شاید یک خمره- در لابه‌ای

جواهرات عالی، حکاکی و کنده‌کاری روی استخوان، سفالگری و دیگر گونه‌های هنرهای کاربردی در باختر در طول دوره کوشانیان بیشتر بر اساس آثار منتشرشده دانشمندانی چون گ. آ. پوگاچنکوا، ب. آ. لیتوینسکی و. ای. ساریانیدی و دیگران کاملاً شناخته‌شده است. از آنجاکه، از انتشار خلاصه کارهای گ. آ. پوگاچنکوا در ارتباط با دوره کوشانیان زمان زیادی گذشته است و بر این اساس در طول این دوره کاوش‌های باستان‌شناسی زیادی انجام‌شده و بر اثر آن بحث پیرامون آثار هنر کاربردی این دوره انواع و گوناگونی مصنوعاتی که سابقاً یافت‌شده بود گسترش یافته است.

در این مقاله نگارنده به معرفی تعدادی از مصنوعات هنری یافت شده در دژ باستانی کمپیرتیه در ناحیه مزرع‌آباد در استان سرخان دریا که از سوی هیئت باستان‌شناسی تخارستان پژوهشکده مطالعات هنر در دوره آموزشی این گروه به سرپرستی ادوارد راتولادزه انجام‌شده است می‌پردازد. در نتیجه این کاوش‌ها پیکره‌های

* این مقاله برگردانی است از:

Ilyasov, Jangar, 2016. "Works of applied art from Kushan Bactria", San'at, Journal Of The Academy Of Arts Of Uzbekistan, 3: 16-19.



تصویر ۱

بودیستوا- نیز یافت شده‌اند.
 نمونه مورد بحث ما به خوبی سالم مانده و به ما اجازه می‌دهد تا تمام جزئیات پیکره را ببینیم.
 شخصیت تصویر شده آشکارا مؤنث است که روی جایگاهی به صورت چهارزانو نشسته و دست‌هایش بر ران‌هایش قرار دارند. او برهنه است - یا اینکه لباسی شفاف و ناپیدا پوشیده است- و کلاهی به شکل دستار بر سر دارد و شیء بزرگ مارپیچی - دیسک مانند- از دو گوش او تا به روی شانه‌هایش آویخته شده است، همچنین وی یک گردن بند ساخته‌شده از دانه‌های تسبیح بر گردن دارد. اندازه این مجسمه تراکوتا ۶/۹۴۳/۸۴۱/۴ سانتی متر است و آن احتمالاً در یک قالب ساخته‌شده، لبه‌های کناری این مجسمه بریده‌شده و در گذشته به رنگ قرمز رنگ شده بوده که اکنون بخشی از آن محو گشته است.
 نمونه‌های به‌دست‌آمده از زرتیه و حیات آباد تپه در اندازه‌های بزرگ‌تری هستند و در آنها ویژگی‌های زنانه وجود ندارد، و این بدان معنی است که این نوع تراکوتا حداقل دو گونه مردانه و زنانه وجود داشته است.

در مکتب بودایی گندهارا که سابقاً در عصر کوشانی در سرزمین‌های باختر نیز گسترش یافته بود تصاویر بودیستواها معمولاً از شخصیت‌های زن نبودند؛ بنابراین، ما هنوز باید درباره این موضوع که آیا پیکره‌های مردانه به‌دست‌آمده از زرتیه و حیات‌آباد تپه و ترمذ کهن و نمونه زنانه کمپیر تپه بودیستوا هستند بیندیشیم. ت.ک. مکریتچوا، در این باره نوشته است که اطمینان زیادی ندارد که این تراکوتاهای

منسوب به قرون اول قبل از میلاد تا قرن یکم میلادی - زمان یونیه چی‌ها- یافت شده‌اند (تصویر ۱). تراکوتاهای مشابه این نوع به خوبی شناخته‌شده هستند و سابقاً بر حسب تصادف در ترمذ کهن یافت شده‌اند و در پی کاوش در محوطه‌هایی نظیر زرتیه حدود ۱۴ کیلومتری شمال کمپیرتپه و همین‌طور در کاوش‌های حیات‌آباد تپه در ناحیه دژ کورگان و در تلاش کندتپه ۲- به شکل یک



تصویر ۲

شبهت زیادی با مجسمه‌های گندهارا و ماتورا داشته باشند، بلکه با هنر سلسله ساتاواخان و سرزمین‌های مرکز هندوستان در میانه قرون دوم قبل از میلاد الی قرن دوم میلادی مشابهت دارند. همچنین بر اساس تاریخ‌گذاری دیگری برای گروه بزرگی از تراکوتاها، آنها بین قرون دوم تا چهارم میلادی یا سوم و چهارم میلادی تاریخ‌گذاری شده‌اند. و یقیناً این تراکوتاها در میان قرون اول قبل از میلاد تا قرن اول میلادی جابه‌جا می‌شدند و این زمان برپایه مدارک به‌دست‌آمده از کمپیر تپه مربوط به عصر حکومت یونه‌چی‌ها می‌شود.

دومین شی‌ای که در این مقاله منتشر می‌شود تراکوتای منحصربه‌فردی است که از آن تاکنون فقط یک نمونه آن‌هم در زوایای آجر یک دیوار متعلق به

عصر کوشانی در بخش شمال غربی محوطه که ارگ خوانده می‌شود در سال ۲۰۰۷ یافت شده است. فقط قسمت بالایی این تراکوتا که یک زوج عاشق را که بازوی یکدیگر را گرفته‌اند باقی مانده است. هردو شخصیت دارای پوششی بر سر خود هستند یا اینکه با نواری با طرح گل سرشان را بسته‌اند و هر دو آنها گوشواره و دست‌بند دارند. در نگاه نخست، تشخیص اینکه کدام یک از آنها زن است و کدام یک مرد دشوار است. چهره‌های هردو آنها به یک اندازه زیباست و چشمانی گیرا و چانه‌هایی گرد دارند. به نظر می‌رسد که شخص سمت راست تصویر مرد است. او به آرامی انگشتان دست چپش را به زیر چانه شخص مقابلش برده و

با دست راستش پشت گردن او را گرفته است. زن به‌سوی طرف مقابل برگشته و گردن او را دربرگرفته است. موهای بلند او به شکل دو رشته بافته‌شده و از میانه پشت گردن عریان او از سمت راست آویخته شده است.

پیکرنگاری این تراکوتا مشخصاً ترکیبی از عقاید مختلف را به همراه خود دارد. ترکیبی از ویژگی‌های هندی و هلنی و در هنرهای بودایی و هندی نمونه‌هایی از این نوع صحنه‌ها معمولاً «میثونا» نام دارد و پیش‌نمونه‌های این تراکوتا، شاید در یک حجاری روی یک سنگ یا فلزی قالب‌گیری شده به‌دست‌آمده باشد. اندازه این تراکوتا ۵/۴۶۴/۴۶۱/۸ سانتی‌متر است که به شیوه قالبی ساخته‌شده و کناره‌های آن بریده‌شده است.

در فاصله سال‌های ۱۲۷-۱۵۰ میلادی بر امپراتوری کوشانی فرمان می‌راند- تعلق دارد. ما نمونه مهرهای دیگری از جنس برنز یا سنگ در اندازه‌های کوچک- و همین‌طور اثر مهر- عمدتاً روی خمره‌ها - را در سرزمین‌هایی که محوطه‌های مربوط به عصر کوشانی در آنها به‌دست آمده است را به‌خوبی می‌شناسیم.

همچنین نمونه مهرهای سفالی نیز موجود است که مهر مورد بحث ما از این نوع است این مهر مخروطی شکل از جنس تراکوتا است و از برات تپه به‌دست آمده است. روی این مهر نقش کنده یک بز در حال دویدن تصویر شده که با آنچه تاکنون شناخته‌ایم هم در فرم و هم در اندازه تفاوت دارد.

این مهر یک تکه سفال چهارگوش را در ابعاد ۷/۵ در ۷/۵ سانتی‌متر و ضخامت آن ۱/۴-۱/۲ است و روی آن تصویر کنده‌ای از نوع قالبی نقش شده است (تصویر ۳). حجم زیادی در دورتادور آن امتداد یافته است و سوراخی به جهت معکوس در میان آن تعبیه شده است. این مهر از خاک سرخ ساخته شده و به انضمام طرفین آن ۵ سانتی‌متر ارتفاع دارد و پیش از پخته شدن کناره‌های آن با چاقو بریده شده و تسطیح گشته و سطح آن در اثر پخته شدن روشن‌تر شده و پیرامون سطح اندکی دودزده شده است.

روی مهر یک گوزن در حال دویدن - یا پریدن؟ با شاخ‌های شاخه مانند که روی آن به سوی بیننده برگشته تصویر شده است. همچنین

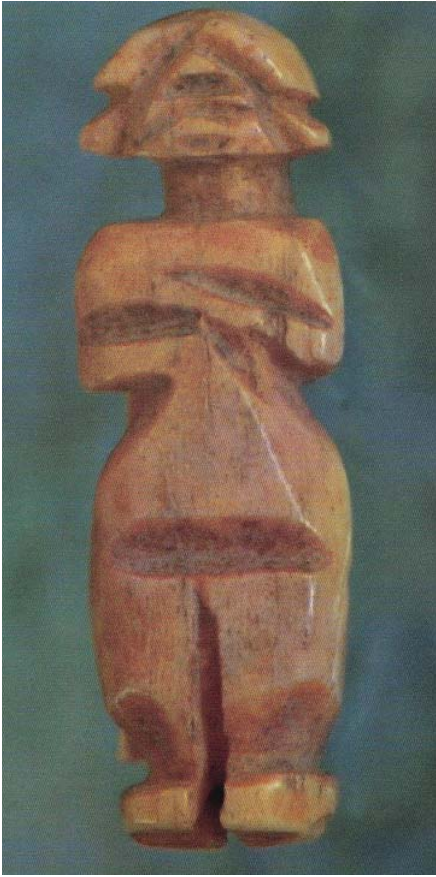


تصویر ۳

این تراکوتا با رنگ قرمز پوشیده شده بوده که اکنون بخشی از آن محو گشته است.

بر اساس پژوهشی که توسط پروفیسور میتسورو هاگا به زبان ژاپنی در این مورد منتشر شده است، این نوع تراکوتا در یک پهنه وسیع فرهنگی کاربرد داشته و دارای پیشینه تاریخی است. او در پژوهش خود اشاره داشته است که این تراکوتا می‌تواند بازنمودی از «ازدواج مقدس» دیونیسوس و آریانده باشد. امیدواریم که یافته‌های جدید از تراکوتا در باختر بتواند به ما در آینده به ما در توصیف و تبیین این نمونه کمک کند.

یکی دیگر از نمونه‌های منحصربه‌فرد، یک مهر تراکوتا بود که در خلال کاوش‌های بخشی مسکونی در کف اتاق ۱۶ در بلوک G در قسمت شمالی کمپرتپه در سال ۲۰۱۲ به‌دست آمده است. که بر اساس تاریخ‌گذاری‌های انجام شده به سال‌های فرمانروایی کانیسکا اول - پادشاهی که



تصویر ۴

روی آن اثر دو امضا وجود دارد. یکی در میان شاخ‌های حیوان و دیگری بر زیر شکم آن. تصویر در میان دو حجاری موازی با یکدیگر در لبه‌های مهر قرار دارد. زیر نقش گوزن دو ردیف باریک نقش کنده انجام شده که حداقل از هر سو حداقل هشت مورد نقش کنده شده در آن وجود دارد. در قسمت بالا و سمت راست نقش گوزن نیز می‌توان آنها را مشاهده نمود. سمت چپ نقش گوزن رو به پایین صاف و محوشده و از شکل اولیه خود خارج گشته است و هیچ مورد خاصی را نشان نمی‌دهد فقط یک ردیف کناری را می‌توان در آن قسمت تشخیص داد.

ظاهراً، مهرهای مشابه این گونه تاکنون در شمال باختر دیده نشده‌اند. ولی آن بسیار به نقوش طراحی شده روی سطوح بزرگ شباهت دارد. برای مثال، آجرهای سوخته یا سفال‌های دوره کوشانی عمدتاً روی خود نقشی از سیمای جسمانی (مادی) دارند. از این رو ضروری است که به این نکته توجه شود که در نسخه‌های منتشر شده از آجرهای سوخته یافت شده نیز این حجاری‌ها مشخص هستند. در مورد این مهر نیز حجاری برآمده و نقش فرورفته پدید آمده است. بنابراین، پرسش پیرامون کاربرد این اثر باستانی همچنان برجای خود باقی است.

حال اجازه بدهید تا بخش‌های دیگری از هنرهای کاربردی -حکاکی بر روی استخوان- اشاره شود. در باختر هنر عاج‌کاری به شیوه‌های هندی، پارسی، یونانی و کوشانی اجرا و تولید می‌شده است و در سگک کمربندها، شانه‌ها، سنجاق‌سرها، کناره قاب آینه‌ها و تاس‌ها استفاده می‌شده است. همچنین برای حکاکی استخوان‌های حیوانات اهلی و وحشی و شاخ‌های گوزن کوچک سرخ‌رنگ محلی (خنکول) نیز کاربرد داشته است.

در سال ۲۰۰۷ در کمپرتپه یک تعویذ در قالب

پیکره‌ای انسانی که در پشت آن یک حفره مته‌کاری شده جهت عبور ریسمان وجود داشت در لایه‌ای متعلق به قرن اول قبل از میلاد تا قرن نخست میلادی در بخش غربی ارگ یافت شد. این نمونه به صورت شماتیک بوده و به شکل فردی که خفتان کوتاهی پوشیده و شلوار گشاد با بازوانی تاشده که آنها را در مقابل سینه‌اش قرار داده و فرق سرش را از میان بازکرده ساخته شده است. بخشی از چانه این پیکره محذوف است ولی باین وجود سیمایی معمول دارد. اندازه این تعویذ ۳/۶۵۴/۲۴۱ است



تصویر ۵، تصویر ۶، تصویر ۷

کوچ‌نشین‌های متأخر مانند یونه‌چی‌ها -تخارها- بودند را نشان می‌دهد اینها حتی تا زمان پادشاهی کانیشکا در جامعه کوشانی باقی مانده بودند. در میان یافته‌های باقی مانده از استقرارهای عصر کوشانی سنجاق‌سرهایی با پیکره‌ای بر بالای آنها در جایگاه مهمی قرار دارند که سابقاً به نظر ما بی‌اهمیت پنداشته می‌شدند و آنها اغلب استیلوس نام دارند. در سالیان اخیر اشیایی (سنجاق‌سرهایی) که با پیکره‌ای انسان گونه در

و شباهت بسیاری به اشیایی که از سطح محوطه کمپیرتپه در سالیان گذشته یافت شده‌اند دارد و این به آن معنی است که این شیء احتمالاً در محل تولیدشده است. بدین جهت این تعویذ شاید با آئین پرستش نیاکان مرتبط باشد یا اینکه چهره‌ای از نخستین انسان یا شخصی چون بنیان‌گذار طایفه را در بردارد. ظروف بزرگ سفالی‌ای که با انواع طمغاه‌ها در کمپیرتپه یافت شده‌اند اتحادی از طوایف و ایلاتی که طبیعتاً از اولاد و اخلاف

بالای آنها تزئین شده بودند در کمپیرتپه یافت شده‌اند. یکی از آنها در نتیجه کاوش‌های بلوک B در شمال‌ترین نقطه شهرستان در سال ۲۰۰۴ به‌دست آمده است. بر بالای این سنجاق‌سر پیکره شخصی برهنه نشسته بر یک صندلی منقوش که پای راست خود را بر سه‌پایه‌ای قرار داده و دست چپش را بر کشاله رانش گذاشته و دست راستش را از ناحیه آرنج خم کرده و بر روی شانه‌اش گذاشته تصویر شده است. در مجموع اندازه این سنجاق‌سر ۱۲/۶ سانتی‌متر و قسمت فوقانی آن ۰/۷۴۰/۵ سانتی‌متر و قطر آن ۰/۷۵/۲۴۱/۷۴ سانتی‌متر است. از دیگر سنجاق‌سرهایی از این نوع، سنجاقی است که در سال ۲۰۰۲ در ناحیه ارگ کمپیرتپه در یک زباله‌دانی متعلق به زمان سلطنت کانیسکا یافت شده است. در قسمت فوقانی این سنجاق‌سر پیکره یک شخص برهنه که نشسته است و پای راست خود را بر روی پای چپش قرار داده ساخته شده است. حالت دستان این پیکره بسیار شبیه به انواع سابقاً یافت شده است و اندازه طول آن ۱۱/۵ سانتی‌متر و ارتفاع آن ۵/۲ سانتی‌متر است.

پیکره بالای یکی دیگر از سنجاق‌سرهایی به‌دست آمده از کاوش‌های بخش شمال شرقی ناحیه شهرستان محوطه کمپیرتپه که بلوک B خوانده می‌شود شباهت زیادی به نمونه پیشتر معرفی شده ندارد و آن تصویر پیکره‌ای ایستاده است که کاملاً با یک جبهه (قبا) پوشانیده شده است (تصویر ۶).

اندازه بخش بالای آن ۰/۶۴۱/۷۴/۸۵ سانتی‌متر است. به نظر می‌رسد هر سه این پیکرها علاوه بر تشابه ظاهری یک نوع پوشش سر مشترک دارند که ظاهراً از یک کلاه مدور پهن مانند کلاه پشمی با یک سوراخ در بالای آن تشکیل شده است؛ که موهای بلند این پیکرها از میان آنها بیرون آمده و در پشت سرشان توسط یک

توری مخصوص جمع شده است و این امر باعث شده تا دقیقاً به شکل یک گوی (کروی) در بیاید. تور به شکل شبکه‌ای شیاردار نمایش داده می‌شود و کلاه و موهای جمع شده در بالای سر موقعیت دارند، در قسمت پشتی سر نیز بخشی از موها هویداست این نکته در مورد شخصیت با جبهه (قبا) به‌خصوص تصدیق می‌کند. شیوه آرایش مو به شکل گوی مانند در میان خاندان‌های پارتنی - همسایه نیرومند امپراتوری کوشانیان - بسیار معمول است. این مورد همین‌طور اغلب در میان آثار هنری زیبایی به‌جای مانده از هنر آنها دیده می‌شود. بر این اساس، س. ب. بولولوف خاطر نشان کرده است که این‌گونه یافته‌ها مانند این سنجاق‌سرها به ما این اجازه می‌دهد تا آنها را با حوزه نفوذ پارتنیان ارتباط دهیم. هرچند که این نکته را نیز باید بیان داشت که در اشیاء هنری پارتنی از جمله کنده‌کاری روی استخوان‌ها موهای پشت سر عمدتاً ترکیبی از موهای پف‌دار در دو سوی سر تصویر بوده‌اند. این مورد، روی ریتون‌های استخوانی که به شکل ابهام‌آمیزی از محوطه باستانی شاش تپه (چاچ تپه) در نزدیکی شهر تاشکند یافت شده‌اند و روی قطعات تراکوتای به‌دست آمده از استقرار باستانی مرو نیز دیده شده است. به دلیل اینکه آنها به‌خوبی حفاظت نشده‌اند برای ما ممکن نیست تا تشخیص دهیم که آیا آرایش موهای آنان در بالای سرشان جمع شده یا اینکه موهای موج و پف‌دارشان از دو سو بر شانه‌هایشان آویخته شده است. موهای جمع شده به شکل کروی در بالای سر و گرد آمده در یک تور در پشت گردن قبلاً نیز در نقش یک فلوت‌زن بالدار و در جزئیات تزئین نقش یک‌یک آکروبات‌باز روی یک ریتون استخوانی به‌دست آمده اولیا که از تولیدات پارتنیان است نیز مشاهده شده است. هرچند که این تصاویر کلاه ندارند ولی با نمونه‌های به‌دست آمده از توپراک قلعه قابل مقایسه هستند. همچنین، آنها

را می‌توان از نظر شکل انسانی با نمونه‌های یافت شده از کمپیرتپه نیز قیاس کرد. آرایش سر یکی از این پیکرها با تعداد زیادی جبه‌ای که روی هم پوشیده است دقیقاً همانند نمونه ما در کمپیرتپه است و تنها تفاوت آنها در گردتر بودن نمونه مکشوفه شده در خوارزم است که قسمت کمی از قبای سه لایه تن آن بر اثر آتش‌سوزی از میان رفته است. س.آ.ترودونوسکایا پنداشته است که آن شخص از یک شکوفه یک نیلوفر آبی بیرون آمده است. من در مورد این نظر او مطمئن نیستم اما با نظر او مبنی بر موهای جمع شده‌اش در یک تور موافقم. س.آ.ترودونوسکایا فکر کرده است که در قسمت پایین موها هر یک در یک قرقه جمع گشته یا یک دیهیم در این بخش وجود دارد. به‌علاوه او پیکره به‌دست‌آمده از توپراک قلعه را بر اساس شیوه آرایش موهایش و دانش سکه‌شناسی و دیگر آثار باستانی و هنری آن زمان بین سال‌های اواخر قرن دوم تا اوایل سده چهارم میلادی تاریخ‌گذاری کرده است. از آنجاکه هر سه سنجاق در یک اتاق و یک لایه مرتبط با عصر سلطنت کانیسکا یکم کشف شده‌اند، آنها را باید متعلق به نیمه نخست قرن دوم میلادی و از تولیدات همان محل دانست (حداقل تا زمانی که شواهد تولید و ارتباطشان با هنر پارتیان معلوم شود). این نکته را می‌توان عنوان نمود که کوشانیان در آن عصر در باختر به‌ویژه در کمپیرتپه یعنی جایی که این سه گونه شیء در آنجا پیدا و معرفی شدند و توپراک قلعه جایی که از آنجا مدارکی در این رابطه یافت شده است حضور داشته‌اند، این موارد حاکی از آن است که بی‌شک رابطه‌ای فرهنگی و تجاری میان باختر-تخارستان- و اتحادیه خوارزم به‌وسیله آبراهی به نام آمودریا (جیحون) جریان داشته است.

سنجاق‌های استخوانی با پیکره‌ای انسانی بر فرازشان با نمونه‌های به‌دست‌آمده از همین نوع از نسا و مرو که در محدوده امپراتوری پارتی بودند

تفاوت دارند. همچنین این نمونه‌ها با نمونه‌های مکشوف در آخچان قلعه در خوارزم نیز تفاوت دارند.

یافته‌های کمپیرتپه، همین‌طور در اصل و منشأ خود نیز متفاوت‌اند. آنها احتمالاً به‌طور اخص منعکس‌کننده حضور کوشانیان در باختر هستند. یافته‌های به‌دست‌آمده از استقرار باستانی زرتپه نمایانگر گونه‌ای دیگر از این نوع سنجاق‌ها با پیکره یک زن ملبس و نشسته بر یک اورنگ (تخت سلطنتی) هستند که شاید، متعلق به دوره‌های بعدتر یعنی عصر کوشانی-ساسانی (قرون سوم و چهارم میلادی) باشند.

یک گونه دیگر از سنجاق‌سره‌های یافت شده در کمپیرتپه بر سرش شکل دست چپ فردی را دارد که با انگشت شست و انگشت اشاره و با کمک انگشتان میانی دستش میوه‌ای شاید یک انار یا کونکار (خشخاش) نگه‌داشته است. دست این فرد از سطح بسیار صیقلی و جلا داده‌شده خودش به‌وسیله یک دست‌بند جدا شده است. دو سنجاق از این نوع در این محوطه یافت شده‌اند که یکی از آنها در قسمت پایین در کف اتاق شماره ۲۱ در بلوک شماره ۵ در شرق ارگ موقعیت داشته و طول این سنجاق ۱۰/۴ سانتی‌متر و قطر آن ۰/۶۵۴۰/۵ سانتی‌متر و اندازه قسمت فوقانی آن نیز ۲/۹۴۱/۱۴۰/۶۵ سانتی‌متر است. دومین سنجاق‌سر در خلال کاوش‌های باستان‌شناسی اتاق شماره ۱۰ بلوک شماره ۲ در سال ۲۰۰۶ یافت شده که ۱۱/۲ سانتی‌متر طول و ۰/۵۵۴۰/۴ سانتی‌متر قطر دارد و اندازه بخش فوقانی آن نیز ۲/۵۴۱/۱۴۰/۷۵ است. بخش بالایی این پیکره با گل چهار برگ روزت تزئین شده است که این موضوع نشان‌دهنده این است که در دست فرد یک میوه قرار دارد و این مورد به ما اجازه می‌دهد تا با نظر ک.آ.شیکو و گ.ن.نیکیتکو و.و. لونوا که بیان داشته بودند، که در تصویر منتشر شده از

نگارنده و همین‌طور یافته‌های دیگر به‌دست‌آمده بین قرن اول میلادی تا نیمه دوم قرن دوم میلادی تاریخ‌گذاری نمود.

همچنین سنجاق‌سرها با اشکال انسانی بر بالایشان را می‌توان از تولیدات محلی دانست یا اینکه حداقل تا زمانی که اکتشافات جدید در باختر و سرزمین‌های همسایه آن صورت نگیرد چنین فرضی را می‌توان مطرح نمود.

پیکره دست در نخستین سنجاق یک ظرف قرار دارد، مخالفت کنیم. من باید در اینجا این نکته را ذکر کنم که انار از زمان‌های بسیار کهن برای ما شناخته‌شده بوده و یکی از نشانه‌های حاصلخیزی و باروری بوده است و افیون تریاک نیز از گذشته نقش مهمی را در علم پزشکی بازی می‌کرده است. سنجاق‌سرها با اشکال بالای سرشان به شکل یک‌دست با یک میوه را می‌توان بر پایه وضع چینه‌شناسی و لایه‌نگاری انجام‌شده توسط

کتاب‌نامه

- Pugachenkova G.A. 1979, Art of Bactria of Kushan era. 1991, Culture and Art of Ancient Uzbekistan. Book 1.
- Abdullaev K. 1998, Buddhist terracotta Plastic Art in Northern Bactria // Silk Road Art and Archaeology. Vol. 5 (1997 / 98). Kamaktr a, 1998, p. 161-177.
- Zavyalov V.A., Pidayev Sh.R. 2001, Images of Bodhisattva in Terracottas of Northern Bactria of Kushan Time // Ancient and Medieval Culture of Surkhandarya. Tashkent.
- Mkrtychev T.K. 2002, Buddhist Art of Central Asia (1st-10th centuries).
- Haga M. 2009, Images of the Kiss: Between of the Profane and the Sacred // Studies in Western Art. No. 15. Tokyo, 2001, p.16-39.
- Ilyasov J.Ya. Ceramic Seals of the Time of Kanishka I from Kampyrtepa // Ancient Settlement in the Southern Uzbekistan, Koinon daron. St. Petersburg, 2011, p.128-132.
- Rtveladze E. V, 2012, Great Indian Road. St. Petersburg.
- Bolelov S.B. 2005, Kushan-Bactrian Archaeological Complex on the Bases of Excavations inKampyrtepa // Central Asia from the Akhemenids to Timurids. St. Petersburg, 2005, p. 71-74.
- Nikitenko G., Shagalina N. 2003, New Finds from Excavations of the South-eastern Part of the Citadel on Kampyrtepa // Archaeological Researches in Uzbekistan- 2002. Tashkent, 2003, p.115-117.
- Archeology of Tashkent Oasis. Tashkent.
- Pilipko V.N. 2010, About One Group of "Male" Terracottas from Merv // Problems of History, Philology and Culture. Moscow-Magnitogorsk-Novosibirsk, 2010, p. 103-115.
- Lukonin V.G. 1977, Art of Ancient Iran. Trudnovskaya S.A. 1981, Objects of Weapons and Everyday Life. Jewelry // Works of the Khorezm Archeological-Ethnographic Expedition. T. 12. M., 1981, p. t0t-t23.
- Pugachenkova G.A., 1982, Rempel L.I. Sketches About Art of Central Asia.
- Katsuris K., Buryakov Yu. 1963, Studying of the Craftsmen Quarter of Antique Merv at Northern Gate of Gyaw-kala // Works by the South-Turkmen Archaeological Complex Expedition, v. 12. Ashgabat, 1963, p.119-163.
- Kidd F. A 2007, Bone Pin From Kazakli-Yatkan/Akcha- Khan-Kala, Chorasmia // Jourml of Inner Asian Art and Archaeology. Vol. 2. Brepols, 2007, p. 23-29.
- Zutyalov V.A. 2008, Kushanshakhr During the Sasanids. St. Petersburg.
- Sheyko K., Nikitenko G. 2001, To Studying of Quarterblock No.5 on Kampyrtepa // Materials of the Tokharistan Expedition. Issue 2. Tashkent, 2001, p. 31-46.
- Gorin A.N. 2010, Archaeological Researches of the Inhabited Block No. 2 on Kampyrtepa Ancient Settlement // Echoes of the Great Khorezm. Moscow, 2010, p. 94-126.
- Luneya V.V. 2005, Jewelry art of Northern Bactria. Tashkent.

“Contents”

Article

Iran-e Varjavand Shahin Aryamanesh	3
Light and Fire in Shahr-e Sokhteh Seyyed Mansour Seyyed Sajjadi	5
Davahdashi Rock Relief in the Sefidrud (Qizil Ūzan) Taram City Ali Nourollahi	19
Parthian Kings Tiara- Numismatic Evidence and Some Aspects Arsacid Political Ideology Marek I. Olbrycht, Persian translated by Mohsen Saadati	36
Kartir, from Uphill to Descent Sorour Khorashadi & Seyed Mehdi Mousavi	61
Some Aspects of the Translation into Iranian Languages of the Works by Mani Enrico Morano, Persian translated by Behnam Ataei	79
Works of applied art from Kushan Bactria Jangar Ilyasov, Persian translated by Behzad Sedaghati	85
The Study of the Architectural and Decorative Features of Mahabad Central Mosque Hamid Norasi & Farid Ahmadzadeh	94
Dashkasan Temple of Viyar (Shirin & Farhad) and Rock Relief of the Human Face from the Village of Viyar, Soltaniyeh Ali Nourollahi	108
Recent Archaeological Investigations of Looting around the Minaret of Jam, Ghur Province Thomas, David & Gascoigne, Alison, Persian translated by Behzad Sedaghati	132

Commentaries

The Anniversary of the find of the Persepolis Fortification Tablet Leila Makvandi	144
---	-----

Critique and Book Review

Review of Tepe Hissar Saeid Baghizadeh	156
Review of Achaemenid Culture and Local Traditions in Anatolia, Southern Caucasus and Iran Arshak Iravanian	160
Hittites in Asia Minor Shahin Aryamanesh	163

Obituary

Ehsan Yarshter, Olivier Leocont, Mohsen Abolghasemi, Yaddollah Samareh, Behrouz Hamrang Arshak Iravanian	165
--	-----

Reports

16 th Annual Symposium on the Iranian Archaeology	167
--	-----

English Section

On the eighty-sixth Anniversary of the find of the Persepolis Fortification Tablet Wouter F.M. Henkelman	3
--	---



ایران ورجاوند



| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |
| Persian Journal Of Iranain Studies |
| Vol. 1, No.1, Autumn & Winter 2019 |

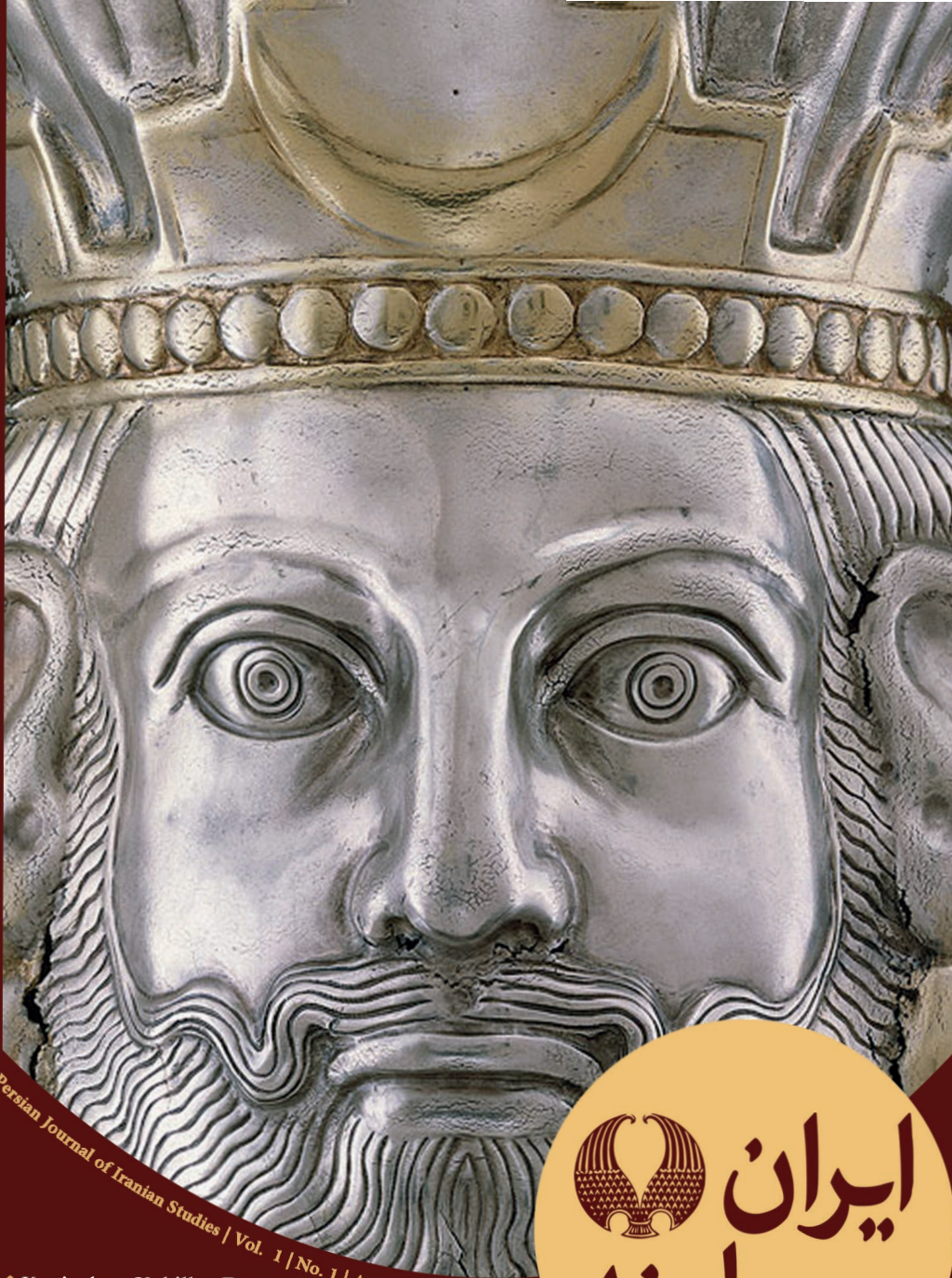
Concessionaire, Manager in Charge
and Editor-in-chief:
| **Shahin Aryamanesh** |
Managing Editor: **Houshang Rostami**

 Tehran, Iran, Post box: 14515-569
 www.iranvarjavand.ir
 Iranvarjavand@hotmail.com
 +98 9395969466

All rights reserved. No part of this
publication may be reproduced,
stored in a retrieval system or trans-
mitted in any form or by any means,
electronic, mechanical, photocopy-
ing, recording or otherwise, without
prior permission in writing, form the
publisher.

With Contributions by
| **Tissaphemes Archaeological Research Group** |





Persian Journal of Iranian Studies | Vol. 1 | No. 1 | Autumn & Winter 2019



ایران ورجاوند

Iran-e Varjavand
(Glorious Persia)

- ◆ Kartir, from Uphill to Descent
- ◆ Light and Fire in Shahr-e Sokhteh
- ◆ Works of Applied Art from Kushan Bactria
- ◆ Davahdashi Rock Relief in the Sefidrud (Qizil Üzan) Taram City
- ◆ Some Aspects of the Translation into Iranian Languages of the Works by Mani
- ◆ The Study of the Architectural and Decorative Features of Mahabad Central Mosque
- ◆ Parthian Kings Tiara- Numismatic Evidence and Some Aspects Arsacid Political Ideology
- ◆ Recent Archaeological Investigations of Looting around the Minaret of Jam, Ghur Province
- ◆ Dashkasan Temple of Viyar & Rock Relief of the Human Face from the Village of Viyar, Soltaniyeh